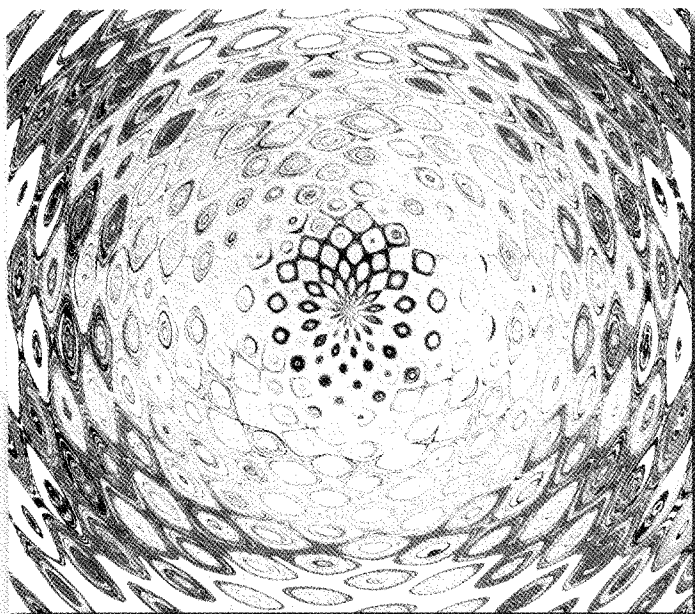


زیارت عارفانه



رحیم کارگر

زیارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان جهان و تشرّف به حرم‌های مقدّس و نورانی آنان است.

زیارت، سفری پر از شور و شوق و سرشار از اخلاص و عشق، به سوی حرم معصومان و برگزیدگان الهی است.

زیارت، اعلام تولّو و تبرّای دائمی شیعیان و اظهار مودّت و دوستی واقعی ولایت مداران است.

زیارت، حضور آگاهانه، عالمانه و خرد ورزانه در حرم عالم‌ترین عالمان و دانشمندترین دانشمندان گیتی است.

زیارت، برقراری ارتباط درونی با حجت‌های الهی و فراهم کردن اتصال معنوی و قلبی با اولیای خداوند است.

زیارت، تمسّک به «ثقلین» پیامبر ﷺ و شفاعت خواستن از آل عبا است.
زیارت، بیعت مستمر و همیشگی با امامان معصوم و تبعیت خالصانه از خاندان وحی است.

زیارت، شرفیابی به محضر اهل بیت پیامبر ﷺ و کسب فیض و برکات معنوی از ساحت آن بزرگواران است.



زیارت، توسل عاشقانه به دامان آل یاسین و دعا و حاجت خواستن از واسطه‌های مقرب الهی است.

زیارت، دیداری عاشقانه و مشتاقانه از مزار اهل بیت و اظهار علاقه قلبی به آنان است.

زیارت، خلوت گزیدن و انس گرفتن با سرچشمه‌های رحمت و فیض الهی است. زیارت، تکریم و تعظیم در برابر کسانی است که فانی در معبود خویش گشته و جز رضای حضرت دوست راهی نیموده‌اند.

زیارت، هویت وجودی خویش را بازیافتن و از زلال حضور یار سیراب گشتن و شبیه امام شدن است.

زیارت، دانشگاه انسان سازی و معنویت و مکتب خودسازی و معرفت است. زیارت، فرصت طلایی طهارت و پاکی اخلاق و موعد توبه و پاکسازی درون است. زیارت، دارای حکمت و فلسفه‌های متعددی است و اسرار و آثار گران قدری در آن وجود دارد که اندیشه و نگارش در مورد آنها مجال گسترده‌ای می‌طلبد.

تعظیم، تکریم، گرمی داشت و یاد کرد انسان‌های شایسته، هنرمند، فرهیخته، فرهنگ‌ساز، نقش آفرین، مصلح، متحول‌کنندگان تاریخ و... و نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنان پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان‌ها به نیکی‌ها و کمالات است و ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد.

شخصیت‌های صالح با توجه به پایگاهی که در عقاید، احساسات و عواطف ملت‌ها دارند، نام و یادشان همواره زنده می‌ماند و علاقه‌مندان به آنان برای زنده نگه داشتن یادشان تا پای دار، پایداری می‌کنند و تا قطع قدم، ثابت قدم می‌مانند و برای نیل به کام معناگام به دام بلا می‌نهند.

ذکر مناقب و فضایل آل طاها و یاسین علیهم‌السلام، احساس شادمانی و سرور در موالید و تألم و اندوه در مصایب آنان، از یک سو، موجب تقرب به خدا است؛ زیرا ارتباط عقلی و عاطفی با آن ذوات نوری - که انسان‌های کامل‌اند - مایه بهره‌وری از معارف قرآن و استفاده از سنت معصومان علیهم‌السلام می‌گردد و سبب تحکیم پیوند با خلیفه خدا می‌شود؛ گذشته از آنکه بزرگداشت نام و یاد اولیای الهی نیز هست.

یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی، هنری و معنوی آنان می‌گردد. افزون بر اینکه عامل پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده، با نسل‌های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است.^۱

زیارت امامان، متصل شدن به آنان و غرق شدن در انوار و معنویات ایشان است و نیز الهام گرفتن، درس آموختن، تحرک و سیر در فضیلت‌ها و تکامل و ساخته شدن است.

زیارت، تکریم و تعظیم در برابر کسانی است که فانی در معبود خویش گشته و جز رضای حضرت دوست راهی نیموده‌اند.

زیارت پیشوایان دینی، نوعی بهره برداری بزرگ از وجود آنان، بعد از مرگ و شهادت است که: یعنی آنان حتی پس از رفتن به زیر خاک، از قبر خویش فرمان عدالت، تقوا و مبارزه با ستمکاران را می‌دهند. بی جهت نیست که خلفای جور، مردم را از زیارت اباعبدالله علیه السلام منع کردند و به حرم آن حضرت در کربلا آب می‌بستند؛ زیرا زائران آن حضرت در سر قبر وی، پیمان مبارزه با ستمگران را می‌بستند و می‌گفتند: مانند تو با کافران و ظالمان خواهیم جنگید.

امامان علیهم السلام که بعد از واقعه کربلا می‌خواستند، قیام آن حضرت و عزاداری را به صورت مکتبی در آورند، شیعیان خویش را به زیارت آن حضرت تشویق می‌کردند. تا جایی که امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم می‌فرماید:

«مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّ إِيْتَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲.

«شیعیان ما را امر کنید به زیارت قبر حسین علیه السلام؛ زیرا زیارت او بر هر کس که به امامت او عقیده دارد، واجب است.»

علامه مجلسی در بحارالانوار پس از نقل روایاتی چند، می‌فرماید: ظاهراً بیشتر اخبار این باب و بسیاری از اخبار ابواب آینده، وجوب زیارت آن حضرت را می‌رساند؛ بلکه آن را اعظم و آکد فرایض می‌شمارد، بعید نیست که بگوییم: زیارت آن حضرت در



مدت عمر، یک دفعه واجب است در صورت قدرت، مرحوم پدرم - نورالله ضریحه - نیز این نظر را داشت.^۳

اهمیت و ضرورت زیارت به حدی است که در روایات از آن به عنوان عهدی الهی و فریضه‌ای ضروری نام برده شده است. امام رضا علیه السلام نیز فرموده است:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ».^۴

«هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خود، عهدی دارد که با زیارت قبور آنان، وفای به این عهد کامل می‌گردد و به خوبی گزارده می‌شود.»

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی دستور می‌دهد که:

«أَتُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً».^۵

«سالی یک بار، به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.»

امام ابی جعفر ثانی علیه السلام می‌فرماید:

«شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بروند؛ زیرا زیارت آن حضرت، بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند - عزوجل - دارد، فرض و واجب است.»^۶

البته فقهای شیعه و سنی با استناد به توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی که درباره زیارت شده است، فتوا به استحباب زیارت داده‌اند.^۷ نامور امامیه، مرحوم محقق حلی گفته است: «بر حج گزار مستحب مؤکد است که به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله بشتابد».^۸

ابن قدامه، عالم بزرگ اهل سنت، می‌گوید:

«زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله مستحب است؛ زیرا از خود آن حضرت روایت شده است: کسی که حج بگزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، همانند آن است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد».^۹

ابن هبیر نیز می‌گوید: «پیشوایان چهارگانه اهل سنت بر استحباب زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله اتفاق کرده‌اند».^{۱۰}

با این حال زیارت باید در راه خدا و به قصد تقرب به او و اولیای او باشد و زائر در صدد اجرای دستورها و فرمان‌های الهی باشد.
امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«زُرْ فِي اللَّهِ أَهْلَ طَاعَتِهِ وَ خُذْ الْهِدَايَةَ مِنْ أَهْلِ وِلايَتِهِ»^{۱۱}.

«برای خدا به دیدن اهل طاعت او بروید و هدایت را از اهل ولایت او بگیرید.»

همچنین می‌فرماید: «برای خدا زیارت کنید و برای خدا همنشینی نمایید. از دشمنان خدا بپسندید و با دوستان او پیوند برقرار سازید»^{۱۲}.

آثار و برکات زیارت

زیارت، هم به عنوان توسل به درگاه ائمه علیهم السلام و شفاعت این پیشوایان از ما نزد خداوند است و هم نوعی دعا؛ یعنی سخن گفتن با خداوند، اما به طوری غیر مستقیم و با واسطه. همان‌طور که در هنگام دعا و نیایش خالصانه، روح انسان صفا یافته و درهای رحمت الهی به روی او گشوده می‌شود؛ زیارت نیز باب معرفت الهی است؛ در هنگام زیارت احساس می‌کند در فضای باز ملکوتی قرار گرفته است و در آسمان رحمت الهی، پرواز می‌کند و فیض‌های ربانی از هر طرف به سوی او جاری است.^{۱۳}

زیارت در نظر شیعه، عبادتی است دارای ابعاد بسیار: انسان را در مسیر الله حرکت می‌دهد و توجه او را به ذات اقدسش بسیار می‌کند. او را هم‌رنگ و پیرو معصومان می‌کند، روح و روانش را از زنگار گناهان و آلودگی‌ها پاک و خلوص و پاکی را جانشین آن می‌سازد و نیز در جهت کارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی او را راهنمایی می‌کند و از همه مهم‌تر راه و روش چگونه زیستن را به او می‌آموزد.

زائر در پرتو فیض شفیع، امام و ولی خدا قرار می‌گیرد، راز دل بر می‌گشاید و اندوه دل سبک می‌کند.

چه مخاطبی امین‌تر و شایسته‌تر و فریادرس‌تری مطمئن‌تر از امام که عقده‌های گره خورده درونی ما را بشنود و می‌شنود که زائرش را چنان سبک‌بال و سبک‌بار، راهی

دیارش می‌کند.

زنگار دل را از زنگ زندگی پر غوغا، به آب جان بخش عطفش می‌شویم، با کوهی از غم به سویش می‌رویم، با نشاطی معنوی و سبک بال، در هوای عنایت و شفاعتش به پرواز در می‌آییم.

زیارت، حالت خضوع و فروتنی را در

زیارت، حالت خضوع و فروتنی

انسان پرورش می‌دهد و زیارت‌های

را در انسان پرورش می‌دهد و

وارد، انسان را با مفاهیم و معارف غنی

زیارت‌های وارد، انسان را با مفاهیم و

اسلام، آشنا می‌سازد.

معارف غنی اسلام، آشنا می‌سازد.

زیارت در خلوتگه دل و در حضور امام، شوق انابت و شور توبه، برای زائر به وجود می‌آورد.

در حالت دعا - که دعا بخشی از زیارت است - انسان احساس آرامش و آسایش روحی می‌کند که خوشبختی به معنای واقعی کلمه، جز آرامش دل نیست.

و به راستی باید گفت: «زیارت، ارتباط با خدا، ولی خدا و روحیه شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا را در انسان بالا می‌برد.

زیارت، وسیله آشنایی با سنت‌ها، گویش‌ها، فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی مردم مناطق مختلف است و عامل گسترش اطلاعات و توسعه ارتباطات و تجربه اندوزی است...»^{۱۴}

می‌توان آثار و برکات زیر را برای «زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام» برشمرد:

۱. بهره‌مند شدن از فضای معنوی حرم‌های شریف که محل تردد فرشتگان، ارواح

انبیا و اولیا و محل تردد و تعلق ویژه روح بلند زیارت شونده است و دعا کردن در آنجا در مظان استجاب دعا می‌باشد.

۲. گسترش فرهنگ توحیدی و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت در میان راه‌ها و

شهرها و مسیر مشاهد مشرفه.

۳. ارتباط ملت‌ها و ملیت‌های مختلف و آگاهی از مشکلات، مشقات و امکانات

یکدیگر و عمل به توصیه‌های کلی قرآن بر سیر در اقطار زمین و تماشای فرجام مجرمان.

۴. حرم‌های شریف امامان معصوم علیهم‌السلام در طول تاریخ مراکز علم، تبلیغ و ترویج

دین، مبدأ قیام‌ها و نهضت‌ها، محل پیمان بستن و هم قسم شدن برای انقلاب‌های رهایی‌بخش، جنبش‌های انتقام‌آمیز و... بوده است.^{۱۵}

۵. به‌طور کلی می‌توان گفت که زیارت، باعث نزدیکی زائران به معنویات، نیکی‌ها و فضایل اخلاقی و دوری از کژی‌ها و ناراستی‌ها می‌شود و بهترین موقعیت برای توبه و آمرزش خواهی است.

۶. زیارت، ارتباطی قلبی مستمر با اولیاءالله و اعلام توالاً و محبت جاودانه خود نسبت به آنان است و این باعث تقویت روحیه ولایت‌مداری است.

۷. بسیاری از کسانی که مشکلات و گرفتاری‌های مختلف (مریض، فقر، بدهی و...) دارند، در موقع زیارت و توسل جستن به اهل بیت علیهم‌السلام، شاهد برطرف شدن مشکلات خود می‌شوند.

آداب زیارت

الف: آداب عمومی زیارت

زیارت خاندان نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، باید همراه با آداب و شروط خاص آن باشد تا زائر بر معنویت و قداست عمل خود بیفزاید؛ از ثواب‌ها و پاداش‌های بیشتری بهره‌مند شود؛ احترام اهل‌بیت را هر چه بیشتر رعایت کند، زیارت و دعای او مقبول درگاه الهی شود؛ خواسته‌ها و دعاهاى او بیشتر در مظان استجابت باشد. یک سری از این آداب، عمومی بوده و بهتر و سزاوار است که همه زائران آن را رعایت کنند.

«محمد بن مسلم به امام باقر علیه‌السلام عرض کرد: اگر به زیارت پدر شما برویم، حج کرده‌ایم؟ فرمود: آری. پرسیدم: پس آنچه بر حاجی لازم است، بر ما نیز لازم است؟ فرمود: چه چیز؟ عرض کردم: چیزهایی که برای حاجی لازم است، فرمود: لازم است:

- با همسفرت خوش رفتار باشی؛
- کمتر حرف بزنی، مگر در خیر و خوبی‌ها؛
- یاد خدا بسیار کنی؛
- جامه‌ات پاک باشد؛

- پیش از رسیدن به حائر غسل کنی؟
- خاشع باشی و نماز زیاد بخوانی و بر محمد و آل محمد بسیار صلوات بفرستی؟
- از برداشتن آنچه مال تو نیست، خودداری کنی؟
- چشمت را [از حرام] فروبندی؟
- اگر دیدی یکی از برادران همسفر، توشه‌اش تمام شده و از سفر بازمانده، لازم است به او رسیدگی و کمک مالی کنی؟
- لازم است تقیه را - که قوام و استحکام دین تو به آن است - رعایت کنی و از منہیات و ستیزه و جرّ و بحث و قسم خوردن زیاد و جدال و بحث دوری کنی.
- پس اگر اینها را رعایت کردی، حج و عمره تو [و زیارت] به طور کامل انجام شده است.^{۱۶}

آداب پیش از سفر

۱. زائر با مال حلال به زیارت برود؛ زیرا با لقمه حرام، نه نماز قبول می‌شود و نه زیارت پذیرفته می‌گردد و نه دعایی مستجاب می‌شود.

۲. از گناهان دوری کند؛ چون خداوند متعال، تنها عمل افراد باتقوا و پرهیزگار را

می‌پذیرد.

با لقمه حرام، نه نماز قبول می‌شود و نه

۳. زائر هنگام سفر، از خداوند

زیارت پذیرفته می‌گردد و نه دعایی

بخواهد که مشکلات سفر را بر روی

مستجاب می‌شود.

آسان نماید.

۴. به هنگام ترک وطن و وداع از همسر و فرزندان، آنان را به تقوا و انجام عمل خیر

سفارش کند.

۵. هنگام تهیه بلیت و وسیله نقلیه، مرتکب مردم آزاری، بدرفتاری، دروغ‌گویی،

حق‌کشی و سوء استفاده از اموال عمومی نشود.

۶. بداند که اگر پیش از این مسلمانی را کوچک شمرد و او را نزد خود نپذیرفته

است، معصوم علیه السلام نیز او را نخواهد پذیرفت.

۷. تا جایی که ممکن است، همراهان را یاری رساند و به آنان نیکی کند.

۸. خدمت به مردم را کوچک و ناچیز نشمارد و بداند که کمک کردن به همراهان، پاداشی ویژه دارد.

۹. هنگام تشریف، شایسته است که لباسی پاکیزه و مرتب بپوشد و خود را خوشبو و معطر سازد (مگر در زیارت امام حسین علیه السلام). مبادا بوی نامطبوع عرق تن و کثیفی جوراب‌ها یا پاها، موجب ناراحتی و آزار دیگر زائران گردد.

۱۰. با وضو و در صورت امکان با غسل زیارت و با آرامش و وقار، وارد حرم شود و پس از اذن دخول، با خضوع، امیدواری، حضور قلب و چشمی گریان به محضر امام مشرف گردد.

۱۱. زائر در قصد زیارت، خود را آماده وصال به دیار یار و طیران در ولای امام و جولان در معراج‌گاه دل و جان کند.

۱۲. برای کسب شایستگی حضور در محضر آن بزرگان، باید خلق و خوی و منش و روش خود را نیکو بدارد و در حد توان به نیازمندان یاری رساند.

۱۳. از صدقه دادن - که رفع خطر می‌کند - دریغ نوزد.

۱۴. از غیبت و بدگویی پرهیزد.

۱۵. در ورود به حریم حرم، باید مطهر و مؤدب به درگاه رود و با عشق و علاقه به زیارت بشتابد.

۱۶. زیارت‌های معتبر و نقل شده از ائمه معصوم علیهم السلام (مانند زیارت امین الله و جامعه کبیره و زیارت مخصوص ائمه علیهم السلام) را قرائت کند و از خواندن زیارتنامه‌های مجعول پرهیزد.

۱۷. هنگام خواندن زیارتنامه و تمام مدتی که در حرم مطهر است، مواظب باشد که صدایش مزاحم راز و نیاز اطرافیان نشود.

با توجه به سفارش ائمه علیهم السلام به نماز اول

وقت، با شنیدن اذان، زیارت را ترک

کند و به صفوف نماز جماعت بپیوندد.

۱۸. با توجه به سفارش ائمه علیهم السلام به نماز

اول وقت، با شنیدن اذان، زیارت را ترک

کند و به صفوف نماز جماعت بپیوندد.

۱۹. در طول سفر و زیارت، کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله را ترک کند.

۲۰. همواره به گفتن تکبیر، تحمید، تسبیح و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام

مبادرت ورزد.

۲۱. به صاحب قبر توجه کامل نموده و با فراغت خاطر از امور دنیوی، دعا و زیارتنامه بخواند.

۲۲. هنگام دیدن قبر و ضریح مطهر، تکبیر بگوید.

همچنین دهها آداب دیگر که بهتر است زائران دیار نور، آنها را رعایت کنند تا هم به ثواب و فیض بیشتری نایل شوند و هم موجبات نزدیکی و انس بیشتر با ائمه معصومین را فراهم آورند.

ب: آداب عرفانی زیارت

زیارت، تشرف به محضر صاحبان علم، کرامت و عصمت و بار یافتن به بارگاه بزرگان فضل، تقوا و حکمت است. زائران دیار نور، باید جان و روح خود را در زلال جاری آداب و بایسته‌های عرفانی و اخلاقی «زیارت»، شست و شو دهند و با عشق و علاقه و پاکی نفس، حریم حرمت آن بزرگان را حفظ کنند.

زیارت حقیقی، آنگاه تحقق می‌یابد که با شروط خاص خود و آداب ظاهری و باطنی انجام گیرد و زائر با آگاهی، معرفت و آمادگی کامل، گام در وادی نور نهد و به نحو شایسته، از این فیض بی‌کران برخوردار گردد.

زائران جهت بهتر بهره بردن و استفاده کامل از این فرصت معنوی، باید آداب و شروط زیارت را مورد توجه و دقت قرار دهند تا بتوانند از آن چشمه‌های زلال نور و حکمت، بهره برده و دل و جان خود را صفا بخشند.

زائر میهمان و دعوت شده کریمان و مقربان درگاه الهی است؛ بنابراین باید با آمادگی کامل و با طهارت جسم و روان و پاکی دیده و دل، در این میهمانی حاضر شود و در کمال وقار، طمأنینه و معرفت، در خدمت میزبان قرار گیرد.

بهترین راه آشنایی و شناخت این آداب و وظایف، مطالعه و عمل به دستورالعمل‌های عارفان و دانشمندان اخلاق است.

۱. توجه به اهمیت و ارزش «زیارت»

«زیارت»، در فرهنگ والای شیعه، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و عمق و ژرفای



معنوی آن، در بحر بی‌کران تفکر و اندیشه بشری در نمی‌آید. این فرهنگ متعالی و انسان ساز، در هیچ جامعه و تمدنی به این شکل و صورت زیبا وجود ندارد.

عالم ربانی مولا احمد نراقی رحمته الله علیه گوید:

«زیارت ایشان (پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام) اظهار اخلاص و تجدید عهد و ولایت است و باعث سرور ایشان و رواج امرشان و غمناکی دشمنان ایشان است و مخفی نماند که اخبار بی حد و احادیث لا تعد، در فضیلت قبور مطهر و مراقد منور ایشان رسیده [است]... حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به امیر مومنان علی علیه السلام فرمود:

«یا ابالحسن! به درستی که خدای تعالی قبر تو و فرزندان تو را، بقعه‌هایی کرده است از بقعه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصه‌های آن و دل‌های خلق و برگزیدگان بندگان خود را مایل به آنها ساخته، تا خواری و اذیت راه را متحمل شوند و قبور شما را تعمیر کنند و بسیار به زیارت آیند؛ به جهت تقرب به خدا و دوستی پیغمبر او. یا علی! این طایفه مخصوص اند به شفاعت من و وارد می‌شوند بر حوض من و ایشانند زیارت کنندگان من و همسایگان من فردای قیامت در بهشت».^{۱۷}

با توجه به اهمیت و ارزش والای «زیارت» خاندان وحی و نیز دستورات فراوان آنان به این امر، بایسته است که از هر لحاظ به آداب و شروط عرفانی و اخلاقی زیارت پایبند و مقید باشیم و آنها را رعایت کنیم.

مرحوم مولا محمد بیدآبادی رحمته الله علیه می‌گوید:

«بر تو لازم است که تلاش و همت کنی که شرایط و آداب زیارت را به نحو کامل به‌جای آری و آن کس را که به زیارتش رفته‌ای تعظیم‌نمایی و حریم حرمتش را نگه‌داری و زائران را مساعدت و یاری نمایی.

بر حذر باش که در خواندن زیارت نامه، در این گفته‌ات دروغگو نباشی؛ آنجا که می‌گویی: شهادت می‌دهم و اعتراف می‌کنم که شما جایگاه مرا ناظر هستی و به گفته‌های من واقفی و می‌شنوی».^{۱۸}

عارف ربانی مرحوم ملکی تبریزی می‌فرماید: «بر تو است که با تمام جد و جهد خود و آنچه در توان داری، در زیارت آن حضرت کوشش کنی؛ زیرا تو مبانی شناسایی آن بزرگوار و معرفت حقوق و مراحم او را محکم ساختی و بر آن یقین کردی».^{۱۹}

۲. معرفت و شناخت

مهم‌ترین نکته هنگام زیارت و شرفیابی به حضور خاندان وحی، شناخت و معرفت نسبت به آن بزرگان و مقربان درگاه الهی است و اینکه عالم هستی به‌طور کامل در محضر آنان است و ایشان احاطه کامل بر جمیع مسائل دارند.

آنچه مایه کمال زیارت می‌شود، معرفت و شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده است؛ نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت

سرّ اینکه توصیه کرده‌اند زیارت زائر با معرفت باشد، آن است که آنچه مایه کمال زیارت می‌شود، معرفت و شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده است؛ نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت (مانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح یا در و دیوار، گردش بی‌هدف در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، شمارش ستون‌ها، چراغ‌ها و شمعدان‌ها...)، این کارها به سیاحت و جهانگردی شباهت بیشتری دارد تا زیارت. ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است؛ یعنی، جایی که ارتباط قلبی با زیارت شونده، برقرار گردد و منشأ تحوّل در زائر شود؛ نه هر سیاحت و زیارت جسمی و صوری.

نتیجه شناخت و معرفت، زیارتی است که از سر شوق و علاقه انجام می‌گردد و نشاطی معنوی و سروری درونی برای زائر به وجود می‌آید.

۳. اعتقاد به حیات و قدرت پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت

عارف الهی حاج میرزا جواد ملکی تبریزی در رابطه با زیارت نبی اکرم ﷺ می‌نویسد:

«چون جلالت و حق پیامبر ﷺ را شناختی و دانستی که او زنده و در نزد پروردگار خود به زائر خویش نظر دارد و سلام آنان را می‌شنود و از ضمیر آنها آگاه است، برای گناهان آنان طلب آمرزش می‌کند و در نیازمندی‌های آنان، شفاعت می‌نماید... در این صورت او را چنان زیارت کن، همان‌طور که او زنده است و تو را می‌بیند و با تو رو به رو است و چیزی تو را از توجه به او مشغول نمی‌سازد و سراسر وجود تو، به حضرت او با

محبت و هیبت او... متوجه خواهد بود و تو از طول مناجات با او و عرض حوایج خود به آن حضرت خسته نخواهی شد و در حرم آن حضرت با کسی تکلم نخواهی کرد؛ بلکه به چیزی که تو را از مراقبت بازدارد، نظر خواهی کرد؛ چون می‌دانی که او به حال تو دانا است و به تو نظر دارد».^{۲۰}

مولا محسن فیض کاشانی در رابطه با زیارت رسول گرامی ﷺ می‌نویسد:
 «اما کیفیت زیارت آن حضرت، این است که در برابر مرقد مطهر آن جناب بایستد و آن حضرت را هم اکنون که به صورت ظاهر از دنیا رفته است، مانند آن وقت که در قید حیات بوده، زیارت کند و نزدیک به مرقد مطهرش نرود. چنانکه اگر در برابر شخص بزرگوار زنده‌ای قرار بگیری، از نظر احترامش نزدیک او نمی‌رود؛ در برابر مرقد مقدس نبوی همین معنا را مراعات کند و متوجه باشد که پیامبر خدا ﷺ از حضور و قیام و زیارت او باخبر است و سلام و صلوات او به آن جناب می‌رسد. بنابراین، مناسب است، صورت آن حضرت را، در خیال خود مجسم سازد و به عظمت آن جناب توجه نماید و مقام آن حضرت را در دل خود بزرگ شمارد.

در روایت آمده است که خدای متعال می‌فرماید: «فرشته‌ای را موکل قبر آن حضرت ساختم که هر کس از امت او، به وی عرض سلام کند، او سلام آن شخص را بدان حضرت ابلاغ کند».

این موقعیت برای کسی است که از دور بدان جناب سلام کند. مسلماً شخصی که قطع مراحل و طی منازل نماید و به شوق زیارت آن حضرت حرکت کند، موقعیتش بیش از اینها خواهد بود».^{۲۱}

عارف ربانی، مرحوم بهاری همدانی درباره آداب زیارت خاندان وحی ﷺ می‌گوید:

«باری چون قصد زیارت اولیای حقیقی [به خصوص خاندان وحی ﷺ] را بنماید، اولاً باید بداند که نفوس مقدسه طیبه طاهره، چون از ابدان جسمانیه مفارقت نمود و متصل به عالم قدس و مجردات گردید، غلبه و احاطه ایشان به این عالم اقوا گردد و تصرفاتشان در این نشأت، بیش از سابق شود و اطلاعاتشان به زائران اتم و اکمل گردد. ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾».^{۲۲}

پس نسیم الطافشان و رشحات انوار آن بزرگواران، بر زوار و قاصدین ایشان می‌رسد؛ خصوصاً لِلْخُلُصِّ مِنْ قاصِدِيهِمْ [به خصوص کسانی که با خلوص نیت قصد زیارت آن بزرگواران را نموده‌اند]. پس خوب است زوار به قصد تجدید عهد با آنها و اعلائی کلمه ایشان و رَغْمًا لِأَنْفِ أَعْدَاءِ [به جهت خواری و سرافکندگی دشمنان آنان] و قصد زیارت مؤمن خالص الایمان و به امید استشفاع از برای بخشش گناهان و رجای وصول بر فیوضات عظیمه، رو به آن بزرگواران کند (با مراعات آن آدابی که در کتب مزار ثبت است) و باید بداند که آنها مطلع بر حرکات و سکانات این شخص؛ بلکه مطلع از خطورات قلبیه او هستند و لذا باید کمال سعی در تضرع و ذل و انکسار بنماید؛ خصوصاً در حین دخول به مرقدهای شریفه ایشان و حواس خود را به تمامه و کماله جمع نماید که تفرقه حواس و تشتت افکار باطله، به منزله پشت کردن به امام است».^{۲۳}

عالم ربانی مولا محمد مهدی نراقی و مولا احمد نراقی گفته‌اند:

«بدان که نفوس قدسیه - خصوصاً نفوس مقدسه انبیا و ائمه علیهم‌السلام - هرگاه از ابدان شریفه خود رحلت نمودند و دست از بدن برداشتند و صعود به عالم بالا کردند، نهایت احاطه و غایت استیلا بر این عالم از برای ایشان حاصل می‌شود و تمامی امور این عالم در نزد ایشان، منکشف و ظاهر می‌گردد و تمکن از تصرف و تأثیر در این عالم، از برای ایشان حاصل می‌شود.

پس هر که به قبور مطهره ایشان حاضر شد، به جهت زیارت ایشان، بر او مطلع می‌گردند و از احوال زائران مرقد مطهرشان، استحضار تمام دارند و سؤالات و تضرعات و توسلات ایشان را می‌شنوند و نظر به رأفت و مهربانی ایشان نسبت به مخلصان، نسیم الطاف ایشان بر آنان می‌وزد.

پس دامن شفاعت به میان می‌زنند و از خداوند طلب حوایج ایشان را می‌کنند و از درگاه الهی، مسألت برآمدن مطالب و آمرزش گناهان ایشان را می‌کنند.

همین سرّ است در ترغیب به زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام علاوه بر اینکه در زیارت ایشان اظهار اخلاص و تجدید عهد ولایت است و باعث سرور ایشان و رواج امر آنان و غمناکی دشمنان ایشان است».^{۲۴}

۴. تواضع و فروتنی در زیارت

یکی از آداب مهم زائران درگاه خاندان وحی، رعایت خشوع و خضوع در موقع زیارت و داشتن تواضع، فروتنی و خاکساری در حرم آن پاکان است. عالم ربانی مرحوم نراقی می‌نویسد:

«چون به جهت زیارت او بر در ایستادی، نهایت خضوع و خشوع را بایستی به جای آوری و او را زنده تصور کنی و نزدیک قبر مطهر منور بروی؛ چون فرقی میان حیات و ممات ایشان نیست.»^{۲۵}

دانشمند اخلاق مرحوم سید عبدالله شبر نیز درباره زیارت پیامبر گرامی ﷺ و ائمه طاهرين علیهم‌السلام می‌گوید:

«در حال زیارت این بزرگواران، شایسته است که با کمال خشوع و ادب در مقابل مزارشان بایستی و همان‌گونه که زندگان آنان را زیارت می‌کنی، از دنیا رفتگان ایشان را زیارت کنی و چون به قبرشان نزدیک می‌شوی، چنان حرکت کن که گویی به شخص خودشان در حال زندگی نزدیک می‌شوی.

بدان که آنان، از زیارت تو و حضور تو در آن مکان، آگاه‌اند و سلام و درود توبه آنها می‌رسد.

و بدان که آنان، از زیارت تو و حضور تو در آن مکان، آگاه‌اند و سلام و درود توبه آنها می‌رسد. پس صورت کریم‌شان را در خیال خود تصور کن که در مقابلت ایستاده و آن مرتبه عالی را که در نزد خدا دارند، به خاطر آور و سخنان و مواعظ شریف آنان را به یاد آور.»^{۲۶}

مرحوم مولا احمد نراقی نیز می‌نویسد:

«چون فضیلت زیارت ایشان و سرّ آنان را شناختی و بزرگی و جلالت قدر ایشان را دانستی، پس باید در هنگام دخول بر مراقد منوره و مشاهد مشرفه ایشان، نهایت تواضع و فروتنی و غایت خضوع و شکستگی کنی و در دل خود، عظمت شأن و جلالت قدرشان را مستحضر گردی و متذکر حق عظیم ایشان، در ارشاد مردم و رواج دین الهی شوی.»^{۲۷}

۵. توجه به عظمت و بزرگی پیامبر و ائمه علیهم السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام صاحبان عزت، عظمت و شرافت‌اند و فضل و برتری آنان بر تمامی خلائق روشن و مسلم است. آنان، در نزد پروردگارشان، محبوب، برگزیده و عزیزاند و خداوند نور و جودی آنان را اشرف و برتر از همه مخلوقات قرار داده و در دنیا و آخرت به آنان عصمت، قدرت، توانایی، حکمت و دانش عطا فرموده است. پس زائران باید به این امر، توجه کرده و در همه حال به بزرگی و عظمت آنان یقین و باور داشته باشند. صاحب «المراقبات» می‌نویسد:

«و چون [زائر] به در حرم رسید، بداند که قصدش ورود بر پادشاه بزرگی است که در بارگاه او، جز پاگان نزول نکنند و اجازه نیابند و همانا او حرمی را اراده کرده است که انبیا و مرسلین و ملائکه مقررین، بدون اذن داخل آن نمی‌شوند».^{۲۸}

پس بایسته است که با توجه به عظمت و شأن والای آنان، به زیارت و دیدارشان پردازد و به الطاف و عنایات ایشان نظر داشته باشد که پذیرش آن، موجب سعادت هر دو جهان است. اگر به بزرگی و عزت خدای آنان باور کامل داشته باشد، زیارت کاملی نیز خواهد داشت و بهره‌های فراوانی از این زیارت خواهد برد.

عارف کامل مرحوم ملکی تبریزی می‌نویسد:

«بداند که او از جانب خدای - جلّ جلاله - قادر است به آنچه بخواهد از عدل و فضل، با او رفتار کند. پس اگر به کرم و فضل خود، به او توجه کند و وی را بپذیرد و زیارتش را قبول کند و سلام او را جواب گوید و سخنش را گوش دهد؛ خوشا به حال او! باز خوشا به حال او!

در این صورت چنان است که به زیارت خدای - جلّ جلاله - نایل گشته است و در این کار با فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل، شریک شده است و این جماعت، بهترین رفقای او خواهند بود».^{۲۹}

صاحب «المراقبات» در ادامه می‌افزاید:

«زیارت آن بزرگواران امر عظیمی است و در این باب روایت شده است که: خدای تعالی دو مرتبه زائران آنها را زیارت می‌کند؛ ولیکن خطر آن هم بسی عظیم است. پس بترس که به کوشش خودت؛ در آن خطر واقع نشوی و آن را سبک‌شماری؛ حال آنکه

او در نزد خدا بسی بزرگ است. مهم تر آنکه معرفت و عظمت او و علمش را به حال خودت و نهادت، محکم بدانی و آفات گفتار و کردار و حقایق دعوی

نشانه اذن ورود، این است که دل انسان خاشع و چشمش گریان شود و حال معنوی خوبی داشته باشد.

خودت را بشناسی و اگر قادر بر اصلاح خود و کردارت نباشی، لامحاله به تقصیر خودت معترف باش و شرمساری مقصران از پیشانی تو هویدا و خوف و خضوع و خواری، به قدر جنایتت پیدا باشد.^{۳۰}

عالم ربّانی مولا مهدی نراقی می فرماید:

«پس بدان که او (پیامبر گرامی ﷺ) بر حضور تو مطلع است و زیارت تو به او می رسد. پس شخص مقدس او را به خیال خود متصوّر سازی و او را در مقابل خود بر تخت عظمت و جلال حاضر کنی. چون از زیارت او فارغ شوی، به نزد منبر مطهر برو و دست خود را بر آن بکش و تضرّع کن و حاجت خود را عرض کن و بالا رفتن پیامبر ﷺ را بر آن تصوّر نما...»^{۳۱}

۶. اذن دخول

یکی از آداب مهم تشرّف به حرم، گرفتن اذن دخول و اجازه حضور عاشقانه و آگاهانه است. قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ...»^{۳۲}؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌های پیامبر نشوید، مگر اینکه به شما اذن داده شود.»

پس هنگام ورود به مکان‌هایی که متعلق به آن حضرت است، باید اجازه خدا، ملائکه، پیامبر ﷺ و امامان علیّه را اخذ کنیم و پس از کسب اجازه - که با دگرگونی احوال و خشیت و نرمی دل همراه است - گام در این روضه‌های پاک نهیم. هنگام قرائت اذن دخول - چه به عربی یا فارسی - توجه کامل قلبی لازم است و انسان باید با خضوع و خشوعی کامل، از آن حضرات اجازه ورود بگیرد. پس نشانه اذن



ورود، این است که دل انسان خاشع و چشمش گریان شود و حال معنوی خوبی داشته باشد. اگر این اجازه برای او حاصل نشد، با گریه و زاری، استغفار و پافشاری، اجازه تشرّف بگیرد و در غیر این صورت سعی کند دوباره و با آمادگی کامل به زیارت برگردد. عارف کامل ملکی تبریزی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«پس [زائر] به دل و زبانش از خدای - جَلّ جلاله - اذن بخواهد و سپس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و پس از آن از جانشینان و اوصیای او - به ویژه باب شهر علم او و بقیه خلفای او - استیذان کند.

سپس از فرشتگان خدا - که موکل به حرم شریف او هستند - اذن بگیرد. آن وقت به بساط خدمت او و حضور در مجلس او، قدم بگذارد؛ زیرا اگر غفلت کند، در خطر عظیمی خواهد افتاد.»^{۳۳}

او همچنین می‌افزاید: «زائر همواره به درگاه او باشد و بنگرد از کدام دفتر، نام او بیرون می‌آید (از پذیرفته شدگان یا بازندگان). پس اگر دلش رقت یافت و چشمانش گریان شد و شوق او را به هیجان آورد و در قلب خود، شیرینی مناجات او و لذت گفت و گوی با او را یافت و از جام کرامت او نوشید، حاکی از حسن اقبال آن حضرت با او و پذیرفتن او است.

بنابراین، داخل شود که او را اذن و امان داده‌اند و لطف و احسان کرده‌اند؛ و الاً توقف کند، توقف کسی که چاره‌های او ناچار گشته و باب آرزوها بر او مسدود شده است و در این حال به درگاه خدای - جَلّ جلاله - ملتجی شود. التجای کسانی که مضطر شده‌اند تا دل شریف او را نسبت به تو با عطف فرماید و لطف منیف او را به تو معطوف دارد...»^{۳۴}

۷. طهارت ظاهری و باطنی

در «زیارت» خاندان نور، دو نوع پاکی و طهارت لازم و بایسته است:

۱. طهارت و پاکی ظاهری (غسل، وضو، رعایت نظافت، تمیزی بدن و لباس، استفاده از عطر و...).

۲. طهارت باطنی و حقیقی (پاکی و تزکیه نفس و تشرّف با دلی پاک و آرام).



آیت الله ملکی تبریزی در باره طهارت ظاهری و غسل و رعایت آداب دیگر می نویسد:

«زائر باید غسل کند و پاکیزه ترین لباس خود را بپوشد و به آنچه می تواند، خود را خوشبو سازد و با سکینه و وقار قصد حرم مبارک بکند و در حال راه رفتن، گام های کوچک بردارد و بین هر گام، تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر بگوید و چنین بداند که آن حضرت او را می بیند و به آنچه در نهاد او خطور می کند، دانا است و مراتب شوق و حسرت دل و اندوه درونی را مشاهده می کند و به تمام وجود او متوجه است. از این رو اهتمام می کند که غیر او به خاطرش خطور نکند و در راه زیارت او، به احدی ننگرد و به چیزی که مانع حضور قلب او می شود، متوجه نگردد».^{۳۵}

اما طهارت حقیقی و باطنی، عبارت است از پاک نمودن درون از هر آنچه رنگ و بوی غیر خدایی دارد؛ همان طور که کارآیی آینه در صورتی است که از جلا و روشنایی کامل برخوردار باشد.

اگر شخصی گناهی در صحیفه اعمال داشته باشد، باید به سرعت توبه و استغفار کند و با حالت توبه و انابه به زیارت برود

مهم ترین نشانه پاکی و طهارت نفس، گناه نکردن و دوری از محرمات الهی و معاصی است. پس اگر شخصی گناهی در صحیفه اعمال داشته باشد، باید به سرعت توبه و استغفار کند و با حالت توبه و انابه به زیارت برود و از ثوابها و بهره های معنوی آن استفاده کند و در ضمن از این موقعیت مناسب برای تحکیم و قبولی توبه بهره برد.

عارف ربانی مرحوم بهاری همدانی می نویسد:

«اگر بتواند، یک توبه درستی با جمیع مقررات معلوم در محل خود در خدمت [پیامبر ﷺ] و امام علیه السلام بجا آورد. آن بزرگوار را شاهد و شفیع خود قرار دهد و بنا بگذارد عند المراجعة، اگر دهانی که به آن آستانه شریفه رسیده و اعضایی که بر آنها مالیده شده و از برکت آنها اکتساب نور کرده، دوباره به لوث معاصی تلون نگرداند؛ بلکه از لغویات بی فایده هم اجتناب ورزد».^{۳۶}

عارف الهی، میرزا جواد ملکی تبریزی رحمته بر این امر تأکید می‌کند که زائر مرقد منور حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید با طهارت جسم و روح و با توبه کامل، به آن مکان مقدس قدم بگذارد و به زیارت آن حضرت پردازد:

«باری، بر زائر واجب است [به حکم عدل] که در این محضر عظیم حاضر نشود، مگر بعد از توبه درست و راستی که او را لا محاله از مخالفت فعلی پاک کرده باشد، تا از ورطه عتاب نجات یابد و از رد شدن، از درگاه او در امان باشد. و اگر توفیق این کار را پیدا نکند، بر او است که از دری غیر از آن داخل شود و آن درهای اعتراف، پوزش، توسل، استغفار، التجا و اضطرار است و اگر نفس اهمال کار او، در حمل لوازم این درها مسامحه کند، ناچار از نا امید نبودن از اجابت داخل شود و خدای - جل جلاله - را به امید اینکه قلب رسول صلی الله علیه و آله را بر او مهربان کند، بخواند. ابلیس هم از این در داخل شد و پیروز گشت و به مراد رسید. در دعای خود بگویی:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَجَابَ لِابْتِغَايِ خَلْقِهِ إِبْلِيسَ حَيْثُ اسْتَنْظَرَهُ فَاسْتَجَبَ لَهُ، فَإِنَّ دَعَاكَ وَهُوَ عَاصٍ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَاصٍ فَكَمَا أَنَّ اجَابَتَكَ شَمَلْتَهُ حَيْثُ دَعَاكَ وَ لَمْ يَقْنُطْ مِنْ رَحْمَتِكَ فَلْتَشْمِلْنِي وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَرْجُو اجَابَتَكَ»؛

«پروردگارا! ای کسی که دعای دشمن‌ترین خلق خود، ابلیس، را اجابت کردی، موقعی که از تو مهلت خواست. پس دعای مرا هم مستجاب کن، هم‌چنان که دعای او را مستجاب کردی؛ زیرا او تو را دعا کرد و حال آنکه نافرمان بود و من هم تو را می‌خوانم با اینکه گناه‌کار و نافرمانم و هم‌چنان که اجابت تو شامل حال او شد، موقعی که تو را خواند و از رحمت تو نا امید نشد. پس رحمت خود را شامل حال من هم بفرما که تو را می‌خوانم و امید اجابت تو را دارم.»

و چون از این در داخل شوی، پروردگارت تو را نا امید نخواهد کرد؛ زیرا او نزد نیک‌پنداری بنده خود می‌باشد. چگونه چنین نباشد و حال آنکه در کتاب خود نازل فرموده است: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^{۳۷} و چون خدا به تو راغب شود و به تو عطف توجه فرماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز با پذیرش و عطوفت، به تو توجه فرماید. آن حضرت با شفقت، ملاطفت و مهربانی به تو رو می‌کند و تو را در کنف



رأفت و عنایت خود جای می‌دهد و مانند پدری با عاطفه و مادری رئوف در جواب تو لئیک می‌گوید و در مقام اجابت خطاب تو، برمی‌آید و تو به مراد خودت؛ بلکه فوق مرادت می‌رسی و برای همیشه رستگار می‌شوی. چون تو با این حالات به درگاه او بیایی و در برابر او، صورت زائر داشته باشی و اقبال او را نسبت به خود بدانی، بر تو است که با مناجات لطیفی، با او نجوا کنی و در حضور او، حاجات و نیازمندی‌های خود را عرضه نمایی و آنچه از هجران و فراق او بر تو رسیده است، به خدمتش شکایت بری و آنچه از مصایب بر ذریه آن حضرت وارد گشته و حقوق آنها غصب شده و... به یاد آوری و نزد او، از بدی احوالت و سختی ابتلایت، شکوه نمایی... پس بگو: ای رسول خدا! در او ان زندگانی‌ات در دنیا، علمی برای دین و مناری برای هدایت و حلال مشکلات و روشن کننده معضلات بودی، از خدا و صفات و رضای او خبر می‌دادی و... به ما رحم آور و بر ما ترحم کن، ای رحمة للعالمین! به نواده خودت (مهدی موعود) به ظهور و پراکندن نور در این عرصه تاریک و شب دیجور امر فرما، تا اسلام حمایت شود و قرآن زنده گردد و احکام دین تقویت گردد و بساط عدالت گسترده و دستگاه جور و ستم برچیده شود و عرض و آبروی مسلمانان مصون و جهانیان در تحت تربیت واقع گردند...»^{۳۸}

۸. گفت و گو و راز نیاز

یکی از آداب مهم زیارت، عرض نیاز و حاجت به شفیعان و واسطه‌های درگاه الهی و متوسل شدن و درخواست استجاب دعا از برگزیدگان و مقربان حضرت حق است. این خواسته خود او است که برای درخواست و دعا کردن به درگاه او، وسیله‌ای بیاوریم

«... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^{۳۹}.

عارف ربانی میرزا جواد ملکی تبریزی درباره زیارت نبی گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«بالجملة با آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مناجات می‌کنی و اشتیاق خودت را به زمان «حضور و اشراق نور» او ابراز می‌داری و از هجر او، به خود او شکایت می‌نمایی و از بلایای عمومی و خصوصی که به تو رسیده است، عرض حال می‌کنی. سپس نزد او به اسرافیه که به نفس خود کرده‌ای و تقصیری که در عبادت پروردگارت نموده‌ای، اقرار و اعتراف

می‌کنی و از او مسألت می‌نمایی که در نزد خدا، برای تو طلب آمرزش نماید و درد تو را به دواى خویش درمان کند و عقل تو را کامل گرداند و نورانیت تو را به دعای خود تمام فرماید و تو را به دوستان خودش ملحق سازد و در همسایگی خودش، تو را بپذیرد؛ زیرا او گرامی‌ترین خلائق است و واردان بر خود وارد نمی‌کند و زائر و میهمان خود را جز با حاجات برآورده و افزونی فضل و کرم، دور نمی‌سازد.

یقین بدان که او ﷺ رحمت خدا برای جهانیان است و اگر تو از «فیض اقدس و نور ازهر» او محروم بمانی، مانع از جهت تو است و گناهان هرچند بسیار باشند، مانع نمی‌شوند، مگر اینکه خللی از جهت ایمان پیدا شود».^{۴۰}
آن عارف کامل در ادامه می‌فرماید:

«سپس با آرامش و خشوع قدم بردارد و ذکر کند تا در برابر ضریح مقدّس بایستد... و با حقیقت سلام، بر او سلام دهد و بر آل او و پدران و عترت او، به تفصیل و ترتیب سلام بفرستد و در عرض سلام و صلوات، مبالغه نماید.

بر تو است که حضور آن حضرت را در برابر خود بدانی که او متوجّه به تو است و رو به تو آورده است و هر چه در ظاهر و باطن تو باشد، می‌بیند و می‌شنود و بر رازهای نهانی و خفایای امور تو و کردارهای تو مطلع و آگاه است. در این صورت هرگاه تو کاری را که از آن نهی شده‌ای، مرتکب شوی، از لباس بدنت، یا تصاحب مال غیر خودت، یا نپرداختن حقوق عترت و ذریه او، یا فقرای امت او، یا چیزی از حقوق خدایی [او آن را می‌داند] و حال آنکه تو در زیارت او می‌گویی: «من آنچه را تو حلال شناخته‌ای، حلال می‌دانم و آنچه را حرام فرموده‌ای، حرام می‌شمارم» و یا می‌گویی: «ای رسول خدا! من تو را زیارت می‌کنم در صورتی که به گمراهی مخالفان، تو بینا هستی»...

یا در زیارت می‌گویی: «پدرم، مادرم، جانم، مالم و فرزندانم فدای تو باد!»، چگونه این همه را فدا می‌کنی و حال آنکه تو مخالف امر و نهی او، در مقدار کمی از مال خود هستی؟ و اگر به تو بفرماید: ای دروغگو! آیا مرا گول می‌زنی؟ جواب تو چه خواهد بود؟ بترس از اینکه در دعوی خود دروغگو باشی و در پیشگاه حضرت او، خلاف واقع بگویی و حال آنکه او دروغ را حرام فرموده است. و بدان که دروغ گفتن به کسی که عالم به دروغ است و می‌داند که دروغ می‌گویی، استهزای او است و پناه بر خدا از این خطرها».^{۴۱}

۹. مداومت بر زیارت

صاحب «المراقبات» می‌نویسد:

«وقوف خود را در آستانه آن حضرت طولانی کن و از آن خسته مشو؛ زیرا خردمند در طول زمانی که موجب انتفاع و بهره‌برداری او است، خسته نمی‌شود.»^{۴۲}

صاحب «تذکرة المتقين» نیز نوشته است:

تا زمانی که شوق و میل باطنی، به زیارت و دعا داری، در حرم باش و زمانی که میل تو، به سستی گرایید؛ بلافاصله از حرم خارج شو

«و استعجال (شتاب) در مراجعت از مشاهد مشرفه ننماید. مهما ممکن توقّف کند. و سوسه خیالی که کارم معوق مانده، خانه‌ام تنها است، خرجی ندارم، رفیق می‌رود و

غیرذلک را - از آن فکرهايي که اگر خودش تأمل کند، می‌داند که شیطان او را اغوا می‌نماید تا از زیارت باز ماند - به خود راه ندهد. خصوصاً اگر جمعه یا یکی از زیارت‌های مخصوصه قریب باشد؛ زیرا که چهل یا پنجاه یا بیشتر از عمرش گذشته، یک دفعه موفق به زیارت شده، هیئات که دیگر برگردد، دوباره موفق به مراجعت شود. مادامی که آنجا هست، خیالش می‌رسد که برگشتن و آمدن حتی سالی یک مرتبه سهل کاری است؛ اما نخواهد شد، تجربه شده [است]. باری باقی ماند کلام در اینکه مادامی که در مشاهد است، آیا زیارت امام و داخل حرم زیاده برود یا نه؟ پس صبح و شام مشرف شود.»^{۴۳}

آیت‌الله بید آبادی نیز می‌نویسد:

«تا زمانی که شوق و میل باطنی، به زیارت و دعا داری، در حرم باش و زمانی که میل تو، به سستی گرایید؛ بلافاصله از حرم خارج شو که ذکر نگفتن بهتر است از ذکر آن که با غفلت و بی‌توجهی به محتوای ذکر باشد.»^{۴۴}

۱۰. یادآوری مصایب

زائر حرم‌های معصومین علیهم‌السلام، ضمن زیارت و دعا، سزاوار است که مصیبت‌ها و سختی‌هایی که بر آنان وارد شده و رنج‌ها و اذیت‌های آنان را یک به یک به یاد آورد. اظهار همدردی و تألم نماید و اندوهگین و غمناک باشد. به خصوص در همه حال، از

مصایب حضرت ابا عبدالله علیه السلام یاد نماید و در اندوه و شهادت مظلومانه ایشان، شراره‌های اشک و غم را بر رخسار خود نمایان سازد.

صاحب «المراقبات» به زائران حرم نبوی سفارش می‌کند:

«در ضریح مقدّس او، قبر سیده زنان و بانوی بانوان جهان را زیارت کن^{۴۵} و در زیارت آن خاتون، مانند عملی که در زیارت پدر بزرگوارش به جا آورده‌ای، به جای آر؛ زیرا او پاره تن او و کریمه و حبیبۀ او است.

پس از زیارت حضرت زهرا علیها السلام قصد زیارت ائمه بقیع نما، همچنان که قصد زیارت آن حضرت را نمودی و به نحوی که در زیارت آن بزرگوار گذشت، آنان را نیز زیارت کن؛ زیرا آنها به منزله جان او هستند. هر کس آنها را اطاعت کند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت کرده است و هر کس آنان را دوست بدارد، او را دوست داشته است و هر کس برای آنها فروتنی کند، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله فروتنی کرده است. فرقی میان آنان و او نیست؛ زیرا آنها جانشینان و ذریه او می‌باشند و همگی یک نور هستند»^{۴۶}.

۱۱. درخواست دعا و حاجت

ما شیعیان معتقدیم که افاضه معصومان علیهم السلام، تنها به زمان حیات ایشان منحصر نیست و پس از رحلت از این دنیا، ارواح ایشان بر مردم و نیز جهان آفرینش تسلط و اشراف دارند و نیازمندان می‌توانند با زیارت قبور خاندان وحی، از ارواح پاک و مطهر ایشان استمداد بطلبند و کسب فیض کنند.

حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«هنگامی که از دعا خواندن در کنار مرقد مطهر حضرت نبوی فارغ شدی، نزدیک منبر بیا و دست بر آن بکش و سر و صورت بر دو پایه زیرین آن بگذار که به درد چشم مبتلا نشوی. سپس از جای حرکت کن و حمد و ثنای خدا را به جای آر و حاجت خود را بخواه؛ چه آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است: میان خانه و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر دری از درهای کوچک بهشت قرار گرفته است.

کسی پرسید: آیا امروز هم باغی از همان باغ‌ها است؟

فرمود: آری، اگر پرده گشوده شود، همان باغ را خواهید دید»^{۴۷}.

صاحب «المراقبات» می نویسد:

«برای تمام بیماری های خود، از او طلب درمان می کنی و به جلب عطوفت او و طلب باران از ابر جود و رأفت او، حوایج خود را می خواهی. به یقین که او کریم ترین تمام خلایق است و بخشنده تر از هر جواد و کریم است...»^{۴۸}

در حرم مطهر برای پدر و مادرت و نیز کسانی که حقی بر تو دارند (مانند بزرگان دین و اساتید و خویشاوندان و دوستان) دعا و طلب رحمت نمای

و نیز همو می نویسد: «در طلب رحمت و سؤال و تضرع و ابتهال نباید تسامح کنی؛ زیرا شخص کریم، حرمت واردان را ضایع نمی سازد و در تقصیرات و لغزش های وارد شده، مسامحه روا می دارد و از کردار خطای او در می گذرد».^{۴۹}

آیت حق مرحوم بید آبادی نیز نوشته است:

«در حرم مطهر برای پدر و مادرت و نیز کسانی که حقی بر تو دارند (مانند بزرگان دین و اساتید و خویشاوندان و دوستان) دعا و طلب رحمت نمای».^{۵۰}

۱۲. تجدید عهد و پیمان

«زیارت» در میان شیعه، عبادتی است دارای ابعاد بسیار: انسان را در مسیر «الله» قرار می دهد و توجه او را به ذات اقدسش بسیار می کند؛ او را همرنگ و پیرو معصومان می سازد؛ روح و روانش را از زنگار گناهان و آلودگی ها پاک می کند و خلوص و طهارت را جانشین آن می گرداند. همچنین او را در جهت کارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رهنمون می کند و از همه مهم تر، راه و روش چگونه زیستن را به او می آموزد. پس زائر باید در محضر ائمه علیهم السلام تعهد نماید که دست به زشتی گناه نیالاید و پیمان ببندد که بنده راستین خدا و پیرو واقعی آنان باشد.

عارف کامل ملکی تبریزی می نویسد:

«پس ایمان خودت را تازه کن و از کفر و شرک جلی به خداوند پناه ببر؛ لیکن چه بسا ظلمت و تاریکی گناهان مانع از درک فیض زیارت او - که شامل حال تو گشته است - باشد و از مشاهده انوار او - که به تو رسیده است - کور شده باشی. در این حال اگر تو را دلی و

فطانتی باشد، به ناچار این را درک خواهی کرد و به پاره‌ای از آثار آن، علم حاصل خواهی نمود که شفقت آن حضرت علیه السلام نسبت به مؤمنان و دوستان عترت او معلوم است؛ هر چند که گناه کار باشند.

از این رو چگونه شفاعت او نسبت به گناه کاران و زائرانی که بر او وارد شده و به سلام او آمده و با او مناجات کرده‌اند و شکایت بینوایی خویش را به دربار او آورده و حقوق زایدی بر او دارند، شامل نشود و این حقوق نزد او ضایع گردد؟

کسانی که از اخلاق کریمه آن حضرت و معامله او با عموم مسلمانان - به ویژه واردین به درگاه حضرتش در حال حیات او - و رفتارش نسبت به نیازمندان، خبر دارند، همه اینها را می‌دانند و می‌شناسند....

زائر باید در محضر ائمه علیهم السلام تعهد نماید

که دست به زشتی گناه نیالاید و پیمان

ببندد که بنده راستین خدا و پیر و

واقعی آنان باشد.

به هر حال بر زائران او واجب است که به فضل و کرم و افاضه آن حضرت، کاملاً حسن ظن داشته باشند و از فیض زیارت او و انوار اقبالش استمداد کنند و از اشراق و

روبه‌رو شدن با آن حضرت استضاءه و طلب روشنی نمایند؛ چه، او است که روشن‌کننده هر ظلمتی است و به هر آفریده‌ای افاضه می‌فرماید و برای جهانیان کفایت است. او نور خدای انور و ضیای ازهر و فیض اقدس است». ۵۱

۱۳. برخورد خوب با دیگران

یکی از بایسته‌های مهم زیارت، حُسن خُلق، برخورد خوش، رفتار صمیمانه و احترام به زائران، همسفران و مجاوران است. رعایت این بایسته‌ها، موجب تقرب و نزدیکی بیشتر زائر به معصوم علیه السلام و جلب عنایت و الطاف آن بزرگواران می‌شود.

عالم ربانی بهاری همدانی در این باره می‌نویسد:

«باید حالش با حال وقتی که مشرف نشده بود، تفاوت بین داشته باشد و مهما ممکن، خُدام و مجاورین را مراعات نماید به عطا و بخشش و احسان، و آنها را اکرام نماید و در نظرش وقعی داشته باشند. هر چه را جفا ببیند، به شیرینی متحمل شود، بدانند از که کشیده، در راه که بوده، در بذل مال به آنها مضایقه نکند و مشایخ و اهل علمشان را بیشتر از همه تکریم و توقیر نماید و در سختی و شداید سفر، از عمل خود منضجر و پشیمان نگردد؛ به خصوص در مقام خوف از اعدا که خودشان فرموده‌اند: «أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ تُخَافُوا فِينَا؟» [= آیا دوست ندارید که در راه ما دچار ترس و خوفی شوید؟]». ^{۵۲}

از نگاه دیگر

چون از حرم خارج شدی، عتبه در و آستانه را ببوس. در مراجعت اگر بدنت برمی‌گردد، تو با قلب و روح و فکر خودت در حضور او مقیم بمان و از خدمت او مفارقت نکن

۱۴. رعایت حرمت حرم معصوم علیه السلام

صاحب «تذکرة المتقين» می‌نویسد:

«مبادا با کسی صحبتی خارجه بکند؛ چه جای اینکه در حرم مطهر - نستجیر بالله - غیبت کند، یا گوش به غیبت دهد و یا دروغ گوید یا به سایر معاصی مرتکب شود؛ بلکه صدا هم نباید بلند کند. «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...» ^{۵۳} در اینجا هم جاری است؛ خصوصاً در حرم امیر علیه السلام که به منزله نفس رسول خدا علیه السلام است. چهار گوشه قبر مطهر را ببوسد و به زبان خود عرض حال کند و حاجاتش را از آن بزرگوار بخواهد، بگوید: ای بزرگ بر همه کس:



یا من بازمانده را نزد خود از وفا طلب
یا تو که پاکدامنی مرگ من از خدا طلب^{۵۴}

۱۵. اجازه خروج

درد انگیزترین زمان زیارت، موقع وداع و خدا حافظی از محضر پاک معصومان علیهم السلام است که زائر باید با معرفت و بینش زیاد، عشقی وافر و قلبی اندوهگین با محبوب و ولی خود وداع کند و از او تقاضای شرفیابی مجدد نماید.

صاحب «المراقبات» می نویسد:

«و کوشش کن برنگردی مگر اینکه آثار اذن و اجازه خروج ظاهر شود. همچنان که بعد از ظهور آثار اجازه ورود، داخل گشتی و چون اراده برگشت نمودی، به قهقرا و به عقب سر اندک و آرام آرام برگرد و دوباره به مقام خود برو و بر آن حضرت سلام ده و کمی بایست و سلام را تکرار کن و چون از حرم خارج شدی، عتبه در و آستانه را ببوس. در مراجعت اگر بدنت برمی گردد، تو با قلب و روح و فکر خودت در حضور او مقیم بمان و از خدمت او مفارقت نکن و چون کوچه ای را به انتها رسانیدی و خواستی داخل کوچه دیگری شوی، به عقب سر برگرد و به آن حضرت با سلام اشاره کن تا اینکه داخل منزلت شوی...»^{۵۵}

زیارت عارفانه

پی نوشت ها:

- ۱- ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، ج ۱، ص ۱۷ و ۲۱
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۳
۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۰؛ به نقل از خاندان وحی، ص ۴۰۲
۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۶
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۳۲
۶. کامل الزیارات، ص ۳۹۵
۷. شرح زیارت جامعه کبیره، ج ۱، ص ۳۱
۸. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۸



۹. المغنی و الشرح الكبير، ج ۳، ص ۵۸۸
۱۰. الغدير، ج ۵، ص ۱۱۰
۱۱. غرر الحكم، ج ۱، ص ۵۴۹۱
۱۲. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۹۲
۱۳. شرح زیارت جامعه (با اختران تابناک ولایت)، ص ۸
۱۴. زیارت و آداب آن، ص ۳
۱۵. ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶
۱۶. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۲؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۸۸؛ کامل الزیارات، ص ۲۲۷
۱۷. معراج السعاده، ص ۷۰۳
۱۸. پیام حوزه، شماره ۶
۱۹. المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۸
۲۰. المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۷
۲۱. حقایق، ص ۵۴۳
۲۲. «پس آنان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند و به آنچه که خداوند از فضل خودش به آنان داده شادمانند»؛ (آل عمران (۳) آیه ۱۷۰).
۲۳. تذکرة المتقين، ص ۷۶
۲۴. جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ معراج السعاده، ص ۷۳
۲۵. جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۰۳
۲۶. الاخلاق، ص ۱۲۷
۲۷. معراج السعاده، ص ۷۰۴
۲۸. المراقبات، ج ۲، ص ۲۳۳
۲۹. المراقبات، ج ۲، ص ۲۳۴
۳۰. المراقبات، ج ۲، ص ۲۳۹ - ۲۴۲
۳۱. جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۰۳
۳۲. احزاب (۲۲)، آیه ۵۳
۳۳. المراقبات، ج ۲، ص ۲۳۳
۳۴. همان، ص ۲۳۳ - ۲۳۷
۳۵. همان، ص ۲۳۳
۳۶. تذکرة المتقين، ص ۷۸
۳۷. نساء (۴) آیه ۳۱ «از فضل خدا مسألت کنید خدا همیشه با شما مهربان است».
۳۸. المراقبات، ج ۲، ص ۲۴۶
۳۹. نساء (۴)، آیه ۳۵



- ۴۰- همان، ص ۲۴۳
- ۴۱- همان، ص ۲۴۰
- ۴۲- همان، ص ۲۵۲
- ۴۳- تذکره المتقین، ص ۷۹
- ۴۴- پیام حوزه، شماره ۶
- ۴۵- بنابه روایتی می‌گویند، که مرقد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در کنار مرقد شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.
- ۴۶- المراقبات، ج ۲، ص ۲۵۳
- ۴۷- حقایق، ص ۵۴۵
- ۴۸- المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۸
- ۴۹- المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۸
- ۵۰- پیام حوزه، ش ۶
- ۵۱- المراقبات، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۹
- ۵۲- تذکره المتقین، ص ۷۸
- ۵۳- حجرات (۴۹) آیه ۲، «صداهایتان را بالاتر از صدای پیامبر بلند نکنید».
- ۵۴- تذکره المتقین، ص ۷۷
- ۵۵- المراقبات، ج ۲، ص ۲۵۴

